

نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه

نقش عالمان شیعه در اصلاح جامعه ایران در عصر صفوی، آنگاه روشن خواهد شد که ماهیت فساد و تباهی در جامعه آن روز را بشناسیم. یکی از ابعاد این فساد، که هم صفویان نخستین و هم توده مردم ایران پیش از روی کار آمدن صفویان گرفتارش بودند، مظاهر زشت زندگی درویشی و صوفیگری منحط بود. مهمترین مشخصه این حرکت، بی‌اعتنایی به شریعت، ترویج عقاید انحرافی و سرگرم ساختن مردم به قصه و داستان بود، که درویشان و قصه‌خوانان برای مردم بیان می‌کردند. آنان شناختی از شریعت نداشتند و تحت لوای طریقت دروغین، نه اصیل، طریقه‌ای ساختگی در میان مردمان شایع می‌کردند.

آنچه در برابر این وضع می‌بایست صورت می‌گرفت، انتقال درست مفاهیم دینی و ترویج شریعت در میان مردم بود. عالمان شیعه در دوره صفوی این نقش را بر عهده گرفتند و موفق شدند با زدودن رنگ و زنگ تصوف دروغین از جامعه، شریعت و فقه را در میان مردم گسترش دهند.

گفتنی است برخی علمای شیعه، که عرب‌زبان و از اهالی جنوب لبنان و شامات بودند، نگاهی به زبان فارسی را، برای ارتباط نزدیک با مردم، مدّ نظر داشتند و از آن بهره کافی گرفتند. بسیاری از علمای شیعه، متون کلامی، فقهی و تفسیری را به زبان فارسی نوشتند؛ و از این طریق، مردم را با متن شریعت آشنا کردند.

بسیاری از کتب روایی به فارسی ترجمه شد؛ و مجموعه‌های حدیثی به زبان فارسی تدوین و انتشار یافت. ادوارد براون درباره خدمت علما به زبان فارسی می‌نویسد:

«دستاوردهای بزرگ حکمای شیعه در اواخر دوران صفویه، چون ملامحمد تقی و ملامحمد باقر مجلسی، همان ترویج آیین تشیع و تعمیم اخبار و احادیث در زبان رایج مردم بود. آن‌ها می‌دانستند که برای دست‌یافتن به مردم باید از زبان مردم سود جویند و ساده‌نویسی کنند.»^۱ او با شمردن برخی از آثار فارسی این بزرگواران، سبک آن‌ها را بسیار ساده و روان و عاری از تکلف می‌داند.

ملک‌الشعرا نیز می‌نویسد:

«مهمترین کاری که مجلسی کرده است، بعد از تألیف بحارالانوار، که دائرةالمعارف شیعه امامیه اثنی عشریه است، تألیف مجموع کتب دینی و اخلاقی شیعه است به فارسی ساده عوام‌فهم، که تا آن روز اهل علم چنان کاری نکرده بودند.»^۲

حقیقت آن است که پیش از آن‌ها و در کنار آن‌ها نیز صدها عالم شیعی متون حدیثی، فقهی و تفسیری را به فارسی برگردانده بودند تا مردم بتوانند از آن‌ها بهره‌مند شوند.

قدم دیگر این بود که برای مقابله با اندیشه‌های درویشی، مردم از نزدیک با اخلاقیات و آداب اسلامی آشنا شوند. این مسائل ممکن است امروزه به نظر برخی از تنگ‌نظران بی‌ثمر وصف شود، اما روزگاری که درویشی‌گری به معنای بی‌توجهی به آداب اسلامی و حتی نظافت بود، حلیۃ‌المتقین، عین‌الحیاء، حیات‌القلوب، حقایقین و جلاء‌العیون، مردم را از نزدیک با معارف اسلامی آشنا می‌کرد. این کتاب‌ها قرن‌ها، کتاب دم‌دستی مردم مسلمان ایران بود و جامعه را با اصول و فروع دین و تاریخ اسلام و امامان شیعه علیهم‌السلام آشنا می‌ساخت. البته حفظ متون اصیل دینی، نگارش شروح عالمانه بر متون پیشین حدیثی و فقهی و تدوین مجموعه‌های گرانبها در همه زمینه‌های دین‌شناسی، از دیگر اقدامات عالمانه و شایسته آن بزرگواران بود.

۱. تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ص ۳۶۳.

۲. سبک‌شناسی، ۳/ ۳۰۵.

برای رها کردن مردم از خرافات و انحرافات، لازم بود دین درست و دیدگاههای اصیل امامان معصوم علیهم السلام میان مردم انتشار یابد؛ و از رواج دروغها و اخبار تاریخی نادرست، که می توانست در گمراهی مردم مؤثر باشد، جلوگیری شود.

یکی از این انحرافات، رواج داستان سرایی و قصه گویی میان مردم بود. درویشان و برخی از قصه خوانان حرفه ای، اباطیلی را به منزله تاریخ دوره اسلامی به هم می بافتند و با درآمیختن آنها با قصه های ایرانی و اساطیر، در هر کوی و برزن، آنها را بر مردم عرضه می کردند.

علمای شیعه - که از لحاظ علمی در برابر صوفیگری منحرف ایستاده، و علی رغم میل برخی از شاهان صفوی شدیداً بر ضد صوفیه فتوا داده بودند و کتابها می نوشتند - در این جا نیز در برابر قصه سراییهای صوفیان وابسته به مکتب اردبیل ایستادند و حرکت عالمانه ای را در این باب آغاز کردند. این حرکت از اوان نفوذ علمای شیعه در دوره صفوی تا این اواخر ادامه داشت. اینک مروری بر آن داریم و پاره ای از کتابها و رساله هایی را که در این باره تألیف شده، بر می شمیریم.

اولین فقیه شیعی که در عهد شاه اسماعیل و شاه طهماسب قدرتی در ایران یافت، محقق کرکی بود. وی که مخالف درویشی و صوفیگری بود، کتابی در ردّ بر آنان نگاشت. در این کتاب - که نامش المطاعن المجریه بود، و امروزه نسخه ای از آن در دست نداریم - به جریان قصه خوانیهای موجود در جامعه نیز پرداخت؛ و آنها را به دلیل دروغ پردازیهایشان انکار کرد. شاگرد وی، که محمد بن اسحاق ابهری است، در کتاب انیس المؤمنین از مطاعن المجریه مطالبی را نقل کرده است.

این کتاب در شرح حال ائمه اطهار علیهم السلام بوده و با استفاده از مآخذ متعدد به نگارش درآمده است. محقق کرکی در این کتاب از اخبار نادرستی که در ابومسلم نامه ها آمده و قصه خوانان آنها را می خوانند یاد کرده، و شدیداً به انکار آنها پرداخته است. در آنجا آورده است:

«به درستی که دورترین قصه خوانان از راستی و درستی، و نزدیکترین ایشان به عذاب و عقاب الهی، آن کسانی اند که دروغ می گویند و افترا می زنند بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و آبای گرامی آن حضرت علیهم السلام.

ابومسلم مروزی مردی فاجر بود. او شیعه نبود و به امامت امامان اعتراف نکرد؛ و از سخت‌ترین مخالفان ایشان بود.»

صاحب انیس المؤمنین^۱ درباره قصه‌خوانان می‌نویسد: بی‌شک قُصَاص خُرَاص فریبنده گروهی بوده‌اند در شمار زیانکاران گمراه‌کننده طایفه قصه‌خوانی؛ و علی‌رغم مخالفت علمای شیعه، ادامه یافت. این به دلیل آن بود که از پیش، رسوخ قابل ملاحظه‌ای در جامعه داشتند و امکان از بین بردن آن در مدتی کوتاه وجود نداشت. با این حال، علمای شیعه، که نقش این تحریف‌گران را در گمراه ساختن مردم احساس می‌کردند، در برابر آن‌ها مقاومت کردند. این حرکت همچنان تا اواخر دوره صفوی ادامه داشت.

در اواسط قرن یازدهم هجری، مجدداً بحث و تألیف درباره ابومسلم اوج گرفت. این بدان دلیل بود که ابومسلم قهرمان ابومسلم‌نامه بود و از وی تبلیغ زیادی صورت می‌گرفت. در واقع، داستانهای ابومسلم با برخی از وقایع تاریخی مربوط به امامان علیهم‌السلام آمیخته شده بود. جدل میان برخی از عالمان درباره شخصیت ابومسلم بالا گرفت؛ و کتاب‌های زیادی به زبان فارسی در این باره به نگارش درآمد. نام هفده اثر از این دست کتاب‌ها بر روی نسخه‌ای از یکی از این کتاب‌ها آمده، که شیخ آقابزرگ نام آن‌ها را در الذریعة آورده، و عبارت‌اند از:

۱. ازهاق الباطل؛ ۲. أسباب طعن الحرمان؛ ۳. اظهار الحق و معیار الصدق؛ ۴. انیس الابرار صغیر؛ ۵. انیس الابرار وسط؛ ۶. انیس الابرار کبیر؛ ۷. ایقاظ العوام؛ ۸. خلاصة الفوائد؛ ۹. درج اللثالی؛ ۱۰. صحیفة الرشد؛ ۱۱. صفات المؤمن والكافر؛ ۱۲. علّة إفتراق الامة؛ ۱۳. فوائد المؤمنین؛ ۱۴. مثالب العباسیة؛ ۱۵. مخلصه المؤلفین من سلم حبّ المخالفین؛ ۱۶. مرآة المنصفین؛ ۱۷. النور والنار.

آقا بزرگ پس از ذکر این کتاب‌ها می‌گوید: تا آنجا که ما اطلاع داریم، تنها دو کتاب، یعنی اظهار الحق و صحیفة الرشد، موجود است.^۲

۱. محمد بن اسحاق ابهری، انیس المؤمنین، تصحیح میرهاشم محدث، ص ۱۴۳-۱۴۵.

۲. الذریعة، ۴/ ۱۵۰-۱۵۱.

نسخه‌ای که ما در این جا معرفی می‌کنیم، حاوی این دو رساله، به ضمیمه رساله دیگری است با عنوان خلاصة الفوائد، که در میان همین هفده اثر از آن یاد شده است. این مجموعه، که با شماره ۴۰۱۴ در کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود، شامل چندین رساله است. از میان این رساله‌ها تعدادی در رد بر صوفیه، و سه رساله آن، جزء همان هفده اثری است که شیخ آقا بزرگ از آن‌ها یاد کرده است. رساله ردّ صوفیان، از ملا محمد طاهر قمی، امام جمعه قم، است که معاصر مجلسین بوده است.

رساله دیگر، سلوة الشيعة وقوة الشريعة است. این رساله از مطهرین محمد مقدادی است، که احتمالاً، میرلوحی معروف است. این رساله نیز در ردّ بر صوفیه بوده و مشتمل بر فتاوی‌ای از علما بر ضدّ صوفیه است.

اینک درباره رساله‌ای که درباره ابو مسلم و تحریم قصه خوانی از سوی علماست، توضیحاتی می‌آوریم. سید احمد بن زین العابدین علوی عاملی، کتاب اظهار الحق و معیار الصدق را در سال ۱۰۴۳ ق نگاشته است. وی صاحب تألیفاتی چند است، که از جمله آن‌ها، مصقل صفا، لوامع ربّانی و لمعات ملوکیه است. ایشان در آغاز رساله نوشته است:

«... که در سنه ثلاث و اربعین والف (۱۰۴۳) بعضی از اخوان صفا و خلّان وفا^۱ سؤال نموده‌اند از حال ابو مسلم مروزی به اینکه آیا بیابان‌نورد وادی بندگی و صحراگرد منهج مصطفوی و مسلک مرتضوی بوده تا سالکان مسالک دین و ناهجان مناہج یقین او را دوست دارند... یا بادیه‌پیمای راه ضلالت و بیهوده‌گرد سبیل غوایت بوده تا مؤمنان صادق و شیعیان موافق از او تبرا واجب دانسته....»

از این عبارت معلوم می‌شود که ماجرای ابو مسلم و ابو مسلم‌نامه‌ها در سال ۱۰۴۳ مطرح بوده است.

۱. عده‌ای از حکمای قرن چهارم قمری هستند که استوارترین قدمها را در نزدیک کردن حکمت یونانی و شریعت اسلامی برداشتند.

سید احمد در این رساله یازده صفحه‌ای دربارهٔ ابومسلم و نقش او در روی کار آوردن عباسیان سخن گفته است؛ و در خاتمه می‌نویسد:

«بدان که ابومسلم مروزی مردمان را به سمت بنی عباس درمی‌آورد و می‌گفت: هرکس از دین ایشان برگردد و ایشان را امیرالمؤمنین نداند، خون خود را مُباح گردانیده باشد؛ و او را باید کشت. مخفی نیست که بنابراین، آن‌ها که به امامت ائمه هدی علیهم‌السلام قائل می‌بوده‌اند، خون ایشان را مُباح می‌دانسته.»

گفتنی است که در مجموعه مورد نظر، پس از خاتمه این رساله، ضمن یک صفحه مطلبی آمده که ذیل آن را علی رضا الحسینی امضا کرده و اظهار برائت از ابومسلم و متصوفه کرده است، که ارتباط این دو مسئله را نشان می‌دهد:

«واعتقادی فی ابومسلم انه غال ملعون، و اعتقادی من المتصوفین انهم من اصحاب الاسماعیل؛ و من قوله: عفوت عنکم صلاة الصبح.»

میر محمد زمان بن محمد جعفر رضوی نیز صحیفه‌الرشاد را دربارهٔ ابومسلم نگاشته است. میر محمد با اشاره به درگیریهای اصفهان دربارهٔ ابومسلم، برای رفع آن‌ها، تصمیم گرفته تا رساله‌ای دربارهٔ ابومسلم بنویسد و به اصفهان بفرستد. وی دربارهٔ ابومسلم و قصه‌خوانانی که او را در آن زمان دوستدار اهل بیت معرفی می‌کرده‌اند، می‌نویسد:

«بدان ای ناظر این رساله، و ای سامع این مقاله - صانک الله وایانا عن الغواية والضلالة - که آنچه قصه‌خوانان می‌گویند که ابومسلم مروزی دوست اهل بیت علیهم‌السلام بوده و از امام محمد باقر - صلوات الله علیه - رخصت خروج یافته، همه دروغ است و ساخته و افترا بر بافته...»

آنگاه دربارهٔ نسب ابومسلم و نقش او در برپاساختن خلافت بنی عباس مطالبی را آورده است. او در ادامه کسانی را که مردم را به مجالست با قصه‌خوانان و شنیدن دعوت می‌کنند، مذمت کرده است.

عبدالمطلب بن یحیی طالقانی نیز خلاصه‌الفوائد را دربارهٔ ابومسلم تألیف کرده است. نویسنده کتاب مفصلی در این باره داشته با عنوان فوائدالمؤمنین. از آن کتاب آگاهی

نداریم، اما این اثر خلاصه همان کتاب است؛ و در واقع مفصلترین رساله‌ای که در این باره در اختیار داریم. این رساله از برگ ۱۱۶ تا برگ ۱۴۰ همان مجموعه است.

این کتاب در چندین باب تنظیم شده است: باب اول: در سبب تألیف جمعی پیرامون ابومسلم؛ باب دوم: در آنکه واجب است دشمن بودن با مخالفان؛ باب سوم: در بیان مذهب ابومسلم. تا می‌رسد به باب دهم کتاب، که درباره اخبار بنی عباس و ابومسلم و کشته شدن وی و ظلم بنی عباس به اهل بیت علیهم السلام است. وی درباره سبب نگارش درباره ابومسلم می‌نویسد:

«بدان ای محب شاه مردان که قصه خوانان از خدا بی خبر، قصه در تعریف ابومسلم مروزی ابرتر بسته بودند و آن را شهرت داده و عوام الناس را به آن سخنان دروغ دوست و هوادار او گردانیده، و اکثر علمای عصر را اطلاع بر اختراع ایشان نبود.»

او در ادامه به درگیریهای اصفهان میان سید میرلوحی و دیگران اشاره کرده، و اینکه وی بر ضد ابومسلم کتاب نوشت و کسانی با وی مخالفت کردند؛ از جمله به کتابی اشاره می‌کند که شخصی با عنوان مشاین، اهل اصفهان، نگاشته و در آن به بدگویی از مردم اصفهان پرداخته، و گفته است: «آن‌ها با آنکه شیعه هستند، در این باره با میرلوحی مخالفت می‌کنند.» شخص دیگری در پاسخ به این کتاب، میزان المحاسن والمشاین را نگاشته، و در آن آورده است: «کتاب مشاین را زعم آن است که تمام اهل اصفهان با سید مشارالیه دشمن‌اند؛ غلط کرده.» آنگاه به دفاع از اهل اصفهان پرداخته و گفته است که تنها عده اندکی با میرلوحی بر سر قصه ابومسلم مخالفت دارند.

مؤلف کتاب‌هایی را که در این باره نوشته شده فهرست کرده است، و ضمن نام بردن از آن هفده اثری که نام بردیم، چند کتاب دیگر نیز برمی‌شمرد؛ از جمله: هادی الصبیان الی طریق الایمان، زینة مجالس المؤمنین، مشاین اصفهان، میزان المحاسن والمشاین. آنگاه وی با استناد به کتاب‌های تاریخی و ذکر روایت و آثار و اخبار، نقش ابومسلم را در دوره اسلامی نمایانده، و در پایان نیز مجدداً مردم را از شنیدن دروغ‌گوییهای قصه‌خوانان پرهیز داده است.

این حرکت فرهنگی اقدام شایسته‌ای بود برای دفاع از سلامت فرهنگی جامعه از

تیررس دروغگویان و تحریف‌گران، که پیش از دوره صفوی این ابومسلم‌نامه‌ها را ساخته بودند و مردم را در هر کوی و برزن بدانها سرگرم می‌ساختند.

از سوی دیگر، عالمان شیعی همزمان با اقدامات یادشده، حرکت گسترده‌تری را به منظور تعمیق و ترویج و اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی آغاز نمودند؛ و با تکثیر و احیای متون عربی، به ویژه حدیثی و روایی، توانستند با بالابردن سطح علمی جامعه عصر صفوی این هدف را تحقق بخشند.

در این میان، ملا محمد باقر مجلسی در جایگاهی رفیع قرار دارد؛ چرا که در آن روزگار با مشاغل متعدد سیاسی-اجتماعی که بر عهده داشت و با تدریس و تربیت بیش از هزار شاگرد، که هریک از عالمان بزرگ گشته‌اند، و نیز در کنار تألیف و تصنیف آثار بسیار سودمند و جاودانه‌ای چون بحارالانوار، مرآة العقول، ملاذالآخیر و کتاب‌های فارسی‌ای که قبلاً نام بردیم،^۱ توانست محققان، شاگردان، کارگزاران، کاتبان و دست‌اندرکاران را ترغیب و تشویق کند که به تصحیح و تکثیر کتب اربعه^۲ و گاه متون قدیمی شیعه بپردازند.

در خاتمه یادآور می‌شود که نزدیک به چهل مجلد از نسخه‌های اصلی کتاب عظیم‌القدر بحارالانوار، به خط مبارک علامه مجلسی^۳ در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.

۱. مجموعه رسائل فارسی علامه مجلسی، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی؛ مجموعه رسائل اعتقادی فارسی، و

نیز دو رساله فارسی دیگر، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد.

۲. البته نباید از نظر دور داشت که نه تنها در زمان ما کتب اربعه دستنویس قبل از قرن نهم هجری بسیار نایاب است، بلکه با بررسیهای به دست آمده چنین به نظر می‌رسد که در عصر مجلسی نیز نسخه‌های قدیمی آن انگشت شمار بوده‌اند. از این رو، اهتمام ویژه‌ای به تکثیر آن داشته‌اند.